



پرشکوهترین نرمش قهرمانانه تاریخ/ چرا امام حسن (ع) با معاویه صلح کرد؟

دلایل صلح امام حسن (علیه السلام) با معاویه از آنجا که دارای ظرایف بسیاری است، توسط بسیاری از اندیشمندان دینی مورد بررسی قرار گرفته و کتب بسیاری پیرامون آن نوشته شده است.

دلایل صلح امام حسن (علیه السلام) با معاویه از آنجا که دارای ظرایف بسیاری است، توسط بسیاری از اندیشمندان دینی مورد بررسی قرار گرفته و کتب بسیاری پیرامون آن نوشته شده است.

به گزارش خبرنگار مهر، در بررسی تاریخی عوامل صلح امام حسن (علیه السلام) باید گفت معاویه و آل ابوسفیان پس از فتح مکه توسط پیامبر (صلی الله علیه وآله) و دستور عفو عمومی ایشان، به شدت تحقیر شده بودند. رسول الله (صلی الله علیه وآله) پس از فتح مکه در صدر اسلام به جای مجازات آزار دهندگان و کسانی که ظلم بسیاری به مسلمانان کرده بودند فرمودند: «انتم الطلقاء»؛ شما آزاد شدگانید! این تحقیر به قدری برای آل ابوسفیان گران بود که حضرت زینب (سلام الله علیها) پس از واقعه عاشورا و اسارت توسط یزید نوه ابوسفیان، با گذشت نیم قرن از آن در دربار یزید، وی را «یابن الطلقاء»؛ پسر آزادشدگان خطاب کرد. (اشاره به تحقیر فراوان آل ابوسفیان در جریان فتح مکه)

شاید مجازات قتل و اعدام آل ابوسفیان توسط یاران پیامبر (صلی الله علیه وآله) بسیار برای ایشان گوارتر از این عفو بود و این سیره پیامبر (صلی الله علیه وآله) به خاری بیشتر آنها انجامید و آنها هیچگاه نمی توانستند آل امیه را در این تحقیر ببینند که بتهایشان شکسته شود و مورد عفو دشمن خود قرار گیرند و به واسطه دستور ایشان با مومنان فقیر و غلامان و رعیت خود برابر شوند و همیشه به دنبال راهی بودند که انتقام خود را از بنی هاشم، پیامبر (صلی الله علیه وآله) و خاندان مطهر ایشان بگیرند.

با تلاش و تکاپوی آل ابوسفیان برای بازگشت به دوران سروری گذشته، نهایتاً در زمان عمر، حکومت شام به معاویه رسید و اولین پایگاه حکومتی آل ابوسفیان پس از اسلام شکل گرفت. اما پس از به خلافت رسیدن حضرت علی (علیه السلام) ترس از دست دادن این حکومت و امید به انتقام گیری از خاندان پیامبر (صلی الله علیه وآله) در دل معاویه زنده شد. و این منجر به شکل گیری جنگ صفین در زمان حضرت علی (علیه السلام) و جنگ با امام حسن (علیه السلام) در زمان خلافت ایشان شد.

معاویه چه در جنگ با امام علی (علیه السلام) در صفین و چه در جنگ با امام حسن (علیه السلام) همیشه برخلاف رویه عملی خود که آغازگر جنگ بود، در پی این بود که القا کند دنبال جنگ نیست و قصد سازش دارد.

در جریان صفین با زیرکی و مکر و قرآن سر نیزه کردن و پس از آن، ماجرای حکمیت ابوموسی اشعری، جان سالم به در برد و در زمان امام حسن (علیه السلام) با جنگ افروزی و ساختن شایعه های دروغین همیشه سعی در هدایت افکار و اذهان به نفع مصالح خود می کرد؛ نکته بارز این مساله که بسیار در جریان صلح امام حسن (علیه السلام) موثر بود این بود که معاویه تعدادی از افراد را مامور کرد که به خیمه امام حسن (علیه السلام) بروند و نامه اهل کوفه که گفته بودند امام را دست بسته تحویل معاویه خواهند داد نزد ایشان برند. این افراد پس از اینکه از خیمه امام بازگشتند شایع کردند که امام صلح را پذیرفته و از آن طرف نیز این شایعه را در خط مقدم سپاه امام و شایعه این را که قیس بن سعد فرمانده سپاه خط مقدم با معاویه صلح کرده را در اردوگاه امام انداختند تا با این جنگ روانی سپاه را متزلزل کنند. سپاهی که پس از فریب و فرار عبیدالله بن عباس پسر عموی امام به سوی معاویه دیگر قوامی نداشت.

سپاه امام حسن (علیه السلام) در آن زمان بسیار متزلزل و رفتار خواص و مردم سرشار از خیانت و خود فروشی بود. عبیدالله بن عباس که پسر عموی امام و از والیان و امیرالحاج حضرت علی (علیه السلام) بود و در جنگ با معاویه در آن زمان شکست خورده بود و معاویه سر فرزندانش را بریده بود، به همین دلایل فرمانده سپاه امام حسن (علیه السلام) شد اما بعد فریب معاویه را خورد و با ترس شکست مجدد از معاویه به درهم و دینار خود را به معاویه فروخت و این بهانه ای شد برای خودفروشی دیگر خواص و مردم. دسته ای از سپاه امام نیز به دنبال غنیمت جنگی و متشکل از خوارج و برخی شکست خوردگان صفین بودند که با بغض معاویه و نه متابعت از ولایت به نبرد آمده بودند.

نکته دیگر اینکه قصد معاویه اصلاً صلح با امام حسن (علیه السلام) با آن شرایط خاص نبود. معاویه هیچ گاه فکر نمی کرد که امام با وی صلح کند. معاویه فقط فضای جنگ را در پیش گرفته بود و نتیجه جنگ دو چیز بود اسارت یا شهادت امام. اگر امام اسیر می شد، پاسخی بود به فتح مکه و اگر هم امام و تمامی خاندانش به شهادت می رسیدند معاویه عنوان کرده بود که دنبال صلح است و قصد جنگ ندارد و به این ترتیب خود امام خواسته بود که جنگ کند و این تمام آرزوی معاویه بود. و اگر هم امام صلح می کرد که نهایتاً باز هم خواسته معاویه بود که حکومت را در دست گیرد.

اگر امام حسن (علیه السلام) در آن زمان عاشورایی خلق می کرد و با تنی چند از یاران باوفایش به شهادت می رسید به خواسته معاویه جامه عمل پوشانده بود و مکر معاویه و عمروعاص به راحتی می توانست خون ایشان را پایمال کند و به راحتی مردم را فریب دهد و همین تنی چند از یاران هم باقی نمی ماندند و به راحتی دین اسلام و سنت پیامبر (صلی الله علیه وآله) دستخوش تغییر می شد. همچنین از آنجا که معاویه اهل تزویر و ریا و نیرنگ بود در ملا عام سنت پیامبر (صلی الله علیه وآله) و ضروریات دین را انکار نمی کرد و حتی بر مردم و عوام برای قیام علیه معاویه نبود. اما یزید با سبک سری و می گساری و میمون بازی و

ساختن حرمسرا بسیاری از احکام دین را در ملا عام نقض می کرد و همین نکات حجتی بود برای قیام علیه فساد یزید. اما ترفندی که امام برای صلح با آن شرایط خاص به کار برد برای معاویه بسیار سخت و غیر منتظره بود و این صلح توأم با شرایط خاص که رعایت آن در توان معاویه نبود، باعث شد تمام نقشه های معاویه برآب شود. امام نامه ای به معاویه نوشت و عنوان کرد که با شرایطی آماده صلح است. معاویه کاغذ سفید امضایی فرستاد و امام شروطی را نوشت. که خلاصه آن عبارت بود از: عمل معاویه به قرآن و سنت رسول خدا، عدم تعیین جانشین توسط معاویه، خلافت امام حسن و امام حسین (علیه السلام) بعد از وی، عدم دشنام دادن به حضرت علی (علیه السلام) در منبرها و در امان بودن جان شیعیان. و شرح آن عبارتست از:

1. واگذاری خلافت به معاویه به شرطی که به کتاب خدا و سنت پیامبر و روش خلفای شایسته عمل کند.
 2. معاویه حق ندارد برای خود جانشین برگزیند و پس از او خلافت به حسن و بعد از او به حسین باید برسد.
 3. همه مردم در هر رنگ و نژادی که هستند از امنیت کامل برخوردار باشند.
 4. معاویه حق ندارد خود را امیرالمؤمنین بنامد.
 5. در حضور معاویه، اقامه شهادت نشود.
 6. معاویه به امیرمؤمنان علی علیه السلام دشنام ندهد.
 7. حق هر ذی حقی را به او برساند.
 8. شیعیان علی علیه السلام در هر کجا هستند در امان باشند و معاویه متعرض آنها نگردد.
 9. بین فرزندان مقتولینی که در جنگ های جمل و صفین جزء سپاهیان علی بوده اند، یک میلیون درهم تقسیم کند.
 10. موجودی بیت المال کوفه (یا عراق) را به حسن بن علی بپردازد و هر سال صد هزار درهم (و به قولی یک میلیون درهم) به او بدهد.
 11. هرگز به حسن و برادرش حسین و هیچ یک از خاندان پیامبر در آشکار و نهان ستمی نرساند و در امنیت هیچ یک از آنان در هیچ منطقه ای اخلال نکند.
- این شرایط به قدری غیرمنتظره بود که معاویه مجبور شد در اولین خطابه اش بعد از خلافت بگوید که شروط را زیر پا می گذارد و چهره واقعی خود را نمایان کند و در نهایت پیروز میدان در میان مردم و افکار عمومی، امام حسن (علیه السلام) شد و از این جهت رهبرانقلاب صلح امام حسن (علیه السلام) را در کتابی که از شیخ راضی آل یس ترجمه کردند "پرشکوه ترین نرمش قهرمانانه تاریخ" خواندند.
- و البته گفتنی است این تزلزل خواص و مردم در آن موقع موجب بروز واقعه اسفبار عاشورا و شهادت امام حسین (علیه السلام) و یارانشان و اسارت خاندانشان گردید.